



تسهیلات پرداختی و نابرابری در آمد؛ آستانه توسعه مالی با تاکید بر کیفیت حکمرانی در بانک توسعه اسلامی (ISDB)

محمد علی پور شلمانی^۱

محمد علی دهقان تفتی^{۲*}

سید یحیی ابطی^۳

جلیل توتونچی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود اثرات آستانه توسعه مالی با تاکید بر کیفیت حکمرانی است. برای این منظور از مدل با رویکرد آستانه‌ای پانل (*PSSTR*) بر اساس داده‌های سالانه کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی (*ISDB*) طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۲۱ استفاده شد. نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل نشان از وجود رابطه منفی متغیرهای تسهیلات پرداختی بانک‌ها، اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی، کنترل فساد، کیفیت مقررات، توسعه فن آوری نوین، سطح تحصیلات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با شاخص نابرابری درآمد را نشان می‌دهد. متغیر نرخ تورم در هر دو رژیم خطی و غیرخطی اثر مثبت معنی‌دار بر نابرابری توزیع درآمد دارد. اما نکته‌ای که وجود دارد، تأیید رابطه (U) شکل معکوس بین توسعه مالی و توزیع درآمد می‌باشد که در رژیم خطی این اثر مثبت و معنی‌دار می‌باشد و با گذر از حد آستانه (-0.21) و انتقال به رژیم غیرخطی، تاثیر اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی بر نابرابری توزیع درآمد منفی می‌شود. سیستم مالی از طریق کسب اطلاعات در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، تجمع پس‌اندازها و همچنین تسهیل در مبادله‌ها باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی شده و با بهبود در تخصیص مناسب منابع مالی در فرصت‌های سرمایه‌گذاری، زمینه لازم را برای کاهش نابرابری درآمدی فراهم می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات پرداختی، نابرابری درآمد، توسعه مالی، کیفیت حکمرانی، مدل رویکرد آستانه‌ای پانل.

طبقه‌بندی JEL: E69, E62, E31, F44, E52

^۱. دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، ahangaryan.nasimco@gmail.com

^۲. استادیار گروه اقتصاد، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول)، dehghantafti@iauyazd.ac.ir

^۳. استادیار گروه اقتصاد، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، yahyaabtahi@yahoo.com

^۴. استادیار گروه اقتصاد، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، ia.totonchi@yahoo.com

۱- مقدمه

تجارب اقتصادی جهان به‌ویژه در دو دهه اخیر ثابت می‌کند که ثبات اقتصادی کشورها مرهون ثبات بازارهای مالی آنهاست. از طرفی نقش بازارهای مالی در تبیین ثبات اقتصادی کشورها و کاهش نابرابری درآمد بسیار کمتر از نقش بازارهای سهام و بانک‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع با توجه به تفاوت در ترکیب (میزان اهمیت بازارهای سهام، بانک‌ها و بازارهای مالی) سیستم مالی یک کشور با توسعه بازارهای مالی آن کشور در ارتباط است (اوفوری و همکاران^۱، ۲۰۲۲). لوین^۲ (۱۹۹۷) در مطالعه خود نشان می‌دهد که بازارهای مالی به‌عنوان رکن سوم سیستم مالی (علاوه بر بانک‌ها و بازارهای سهام)، رابطه مثبتی با ثبات اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد کشورها دارد، تا مرز انگیت و همکاران^۳ (۲۰۱۳) شواهد تجربی در مورد تأثیر مثبت بازدهی بازارهای مالی بر کاهش نابرابری درآمد را در مطالعه خود برای ۳۸ کشور ارائه می‌کند. به طور مشابه، پرادان و همکاران^۴ (۲۰۱۶) با استفاده از نمونه ۳۵ کشور، رابطه مثبتی بین بازدهی بازار مالی و رشد اقتصادی پیدا کردند، درحالی‌که فینک و همکاران^۵ (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که توسعه بازارهای مالی به طور قابل توجهی بر فعالیت اقتصادی واقعی در اقتصادهای پیشرو جهان (ایالات متحده آمریکا، اکثر اعضای اتحادیه اروپا، ژاپن، سوئیس و نروژ) تأثیر می‌گذارد. این یافته‌ها از این استدلال حمایت می‌کنند که توسعه بازارهای مالی، نقدینگی و اندازه بازارهای سرمایه را افزایش می‌دهد و بنابراین برای رشد نابرابری و کاهش نابرابری مهم است (مرینو^۶، ۲۰۲۲).

اخیراً، چندین مطالعه شواهدی ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد، ارتباط بین تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با اثرات آستانه‌ای توسعه بازارهای مالی ممکن است بشکل غیرخطی باشد. به طور مثال، شن و لی^۷ (۲۰۰۶) در مطالعه خود نشان دادند که این رابطه بشکل U معکوس است، در حالی که مستن و همکاران^۸ (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که تأثیر مثبت توسعه بازارهای مالی بر رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد در کشورهای کمتر توسعه یافته بیشتر است. آرکاند و همکاران^۹ (۲۰۱۴) وجود یک آستانه (۱۰٪) برای نسبت اعتبار خصوصی به تولید ناخالص داخلی را در مطالعه خود نشان می‌دهند که بالاتر از آن توسعه مالی دیگر اثر مثبتی بر نابرابری درآمد ندارد. بک و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۴) شواهدی ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد غیرخطی بودن در رابطه مالی و نابرابری درآمد، حتی پس از کنترل تعدادی از ویژگی‌های ساختاری سیستم مالی یک کشور باقی می‌ماند. هندرسون و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۳) رابطه غیرخطی را در ارتباط توسعه مالی و نابرابری درآمد در مطالعه خود یافتند، اما این رابطه در طول زمان فقط برای کشورهایی که به گروه‌های با درآمد متوسط و بالا تعلق دارند، مثبت و قوی‌تر است. در مقابل، برای کشورهای کم درآمد، سطح توسعه مالی نقشی جزئی در تعیین کاهش نابرابری درآمد دارد (چن و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۱).

ارتقای کیفیت زندگی، رفاه جامعه و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی یکی از وظایف عمده کشورهاست. با وجود نرخ‌های سریع رشد اقتصادی، اقشار کم‌درآمد و فقیر از این رشد بهره‌چندانی نبرده‌اند. در این میان توسعه بخش بانکی به‌عنوان ابزاری اساسی برای اقشار کم‌درآمد برای

¹. Ofori et al

². Levine

³. Thumrongvit et al

⁴. Pradhan et al

⁵. Fink et al

⁶. Serena Merrino

⁷. Shen and Lee

⁸. Masten et al

⁹. Arcand et al

¹⁰. Beck et al

¹¹. Henderson et al

¹². Ting-CihChen et al

بهره‌مندی از فرصت‌های لازم برای کسب درآمد و فعالیت‌های تولیدی معرفی شده است. با گسترش بازارهای مالی، فعالیت بانک‌های تجاری و تخصصی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. بخش بانکی به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطی بخش پولی و حقیقی در اقتصاد کشورها به‌قدری مهم است که هرگونه نقص در ساختار این بخش، زمینه ایجاد اختلال در سایر بخش‌ها را نیز فراهم می‌کند (سیلوا و همکاران^۱، ۲۰۲۰). استدلال می‌شود که حضور یک بخش مالی توسعه‌یافته، تسهیلات پرداختی از طریق سیستم مالی می‌توانند به طور موثر برای کمک به رشد و توزیع عادلانه‌تر درآمد تخصیص داده شوند و زمینه‌ای برای رد فرضیه‌های کوزنتس و گرینوود-جوانوویچ^۲ ایجاد شود (آلتونباس و همکاران^۳، ۲۰۱۸). این امر به این دلیل امکان‌پذیر است که مؤسسات مالی کارآمد می‌توانند (۱) تسهیلات پرداخت را با کمترین هزینه سرانه ارائه کنند و (۲) بازده بالایی از سپرده‌ها ایجاد کنند. (اوفوری^۴، ۲۰۲۱). رابطه بین توسعه بخش بانکی و نابرابری درآمد پیچیده و دارای ابعاد متعددی است. توسعه بخش بانکی با فراهم کردن منابع بیشتر و آسان‌تر برای خانواده‌های فقیر برای سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و همچنین سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بلندمدت، نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد ایفا می‌کند. استفاده از اکثر وام‌های اعطایی بانک‌ها و مؤسسات مالی مستلزم وثیقه وام گیرندگان است و از طرفی ثروتمندان به دلیل داشتن دارایی‌های مالی و استفاده از آن دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه بانکی نسبت به فقرا به منابع مالی بیشتری دسترسی دارند، بنابراین نابرابری درآمد افزایش می‌یابد، در این صورت، توسعه بخش بانکی ممکن است نابرابری درآمد را افزایش دهد (دستک و همکاران^۵، ۲۰۲۰). البته بخش مالی تنها وظیفه افزایش پس‌انداز را ندارد. این بخش همچنین می‌تواند با کاهش ریسک دارایی‌ها و نیز نوسانات درآمد و هزینه‌ای که فقرا به دلیل نداشتن پس‌انداز کافی با آن مواجه هستند، در طول زمان از اتلاف دارایی‌ها جلوگیری کند (سیلوا و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

باتوجه به مباحث مطرح‌شده، این مطالعه به‌دنبال این استدلال است که یک بخش مالی کارآمد برای ارائه خدمات و محصولات مالی برای حمایت از نوآوری، پویایی و رشد بخش خصوصی می‌تواند موثر باشد. در این راستا، درحالی‌که کارایی بخش مالی برای ایجاد انگیزه بیشتر برای ورود تسهیلات ضروری است، دسترسی و عمق مالی بیشتر نیز برای تخصیص عادلانه تسهیلات سرمایه‌گذاری شده در سیستم مالی ضروری است. بنابراین بررسی رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر پیامدهای قدرت و حاکمیت می‌تواند ضرورت توجه به موضوع حاضر را دو چندان نماید که به تفصیل مورد بررسی واقع می‌گردد. همچنین در ادامه ساختار مقاله به اینصورت تنظیم شده است که در بخش دوم مبانی نظری شامل تئوری‌های مطرح و نتایج مطالعات تجربی صورت گرفته در ارتباط با موضوع ارائه شده است. در بخش سوم مدل، روش تحقیق و آزمون‌های مورد استفاده بیان شده است. بخش چهارم نیز به نتایج آزمون‌ها و تخمین مدل اختصاص یافته است. در بخش پنجم خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

۲- ادبیات موضوع

ادبیات تجربی در مورد توسعه بازار مالی، حکمرانی، تسهیلات بانکی و نابرابری درآمد کشورها بسیار گسترده است. یکی از موضوعات مشترک مشارکت‌ها، تمایز بین عوامل داخلی و خارجی است. به‌عنوان مثال، گومز (۲۰۰۹) دریافت که عوامل داخلی، مانند تفاوت در نقدینگی بازار و ریسک اعتباری، مهم‌تر از عوامل بین‌المللی در توضیح سیر تحول بازدهی ۱۰ ساله در کشورهای مورد بررسی اهمیت دارد. بسیاری از مطالعات شواهدی را ارائه می‌دهند که عوامل خارجی، محرک‌های مهم توسعه بازار مالی هستند (به عنوان مثال، لانگستاف

^۴. Ofori et al

^۵. Destek et al

^۶. Selva et al

^۱. Selva et al

^۲. Kuznets and Greenwood-Jovanovic hypotheses

^۳. Altunbas et al

و همکاران^۱، ۲۰۱۱؛ کاکار و همکاران^۲، ۲۰۱۹). جارامیلو و وبر^۳ (۲۰۱۳) بر نقش توسعه بازار مالی در تعیین بازدهی تسهیلات بانکی بر نابرابری درآمد در اقتصادهای نوظهور تاکید می‌کنند. آنها دریافتند که توسعه بازار مالی عمدتاً تحت تاثیر انتظارات رشد تولید ناخالص داخلی واقعی و تورم در دوره‌های ریسک‌گریزی پایین جهانی قرار می‌گیرد، درحالی‌که در دوره‌های ریسک‌گریزی بالا، نقش عوامل بنیادی مالی خاص کشور برجسته‌تر است. به طور مشابه، کندی و پالرم^۴ (۲۰۱۴) نقش عوامل داخلی و خارجی را در تعیین توسعه بازار مالی در بازارهای نوظهور بررسی کردند و نتایج آنها با جارامیلو و وبر^۵ (۲۰۱۳) در رابطه با اهمیت ریسک‌گریزی جهانی مطابقت دارد. یوتنر و همکاران^۶ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که توسعه بازار مالی در بازارهای نوظهور ممکن است با یک مدل قیمت‌گذاری توضیح داده شود که عوامل خارجی را با عوامل خطر خاص کشور (عوامل شرایط کلان اقتصادی، سیاسی و مالی) ترکیب می‌کند. دیلمی و همکاران^۷ (۲۰۰۸) نقش شرایط پولی جهانی و عوامل خاص کشور را در توضیح توسعه بازار مالی بازارهای نوظهور بررسی می‌کند. آنها دریافتند که متغیرهای خاص کشور تاثیر بیشتری بر توسعه بازار مالی بازارهای نوظهور نسبت به نرخ بهره ایالات متحده دارند. سونتو و همکاران^۸ (۲۰۱۴) شواهدی مبنی بر اهمیت فزاینده شرایط مالی جهانی در تعیین توسعه بازار مالی و حاکمیتی بازارهای نوظهور در طول دوره‌های با نوسان بالا یافتند.

مطالعه حاضر با حجم وسیعی از ادبیات مربوط به رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود اثرات آستانه‌ای توسعه بازارهای مالی و نقش حاکمیت مرتبط است. این ادبیات گسترده، جنبه‌های مختلفی از جمله؛ جنبه مربوط به ثبات بازارهای مالی و غیرخطی بودن رابطه بین تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد را در بر

می‌گیرد، بطوریکه آلفارو و همکاران^۹ (۲۰۰۶) و کوزه و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۹)، نشان دادند که یکپارچگی مالی، توسعه مالی را تسهیل می‌کند و برعکس، یک سیستم مالی خوب توسعه یافته لازمه منافع حاصل از یکپارچگی مالی است. بنابراین، در یک اقتصاد توسعه‌یافته‌تر مالی که در سطح جهانی نیز یکپارچه‌تر است، عوامل خارجی باید نقش مهم‌تری در ثبات بازارهای مالی ایفا کنند (بیاردی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸). در نهایت، چگونگی اثرگذاری توسعه بازارهای مالی بر رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد در رژیم خطی و غیرخطی با استفاده از مدل حد آستانه‌ای انتقال ملایم مورد بررسی واقع می‌گردد. ریوجا و والف^{۱۲} (۲۰۰۴) نشان داده‌اند که اثرگذاری توسعه بازارهای مالی بر رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد در کشورهای کم درآمد نامشخص است، در حالی که در کشورهای با درآمد متوسط و بالا این اثر مثبت و بزرگ می‌باشد (آلتونباس و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۸). با توجه به وابستگی اقتصاد کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی به سیستم بانکی، اهمیت ثبات سیستم مالی از اهمیت دو چندان برخوردار است و بررسی عوامل محل این ثبات نظیر ریسک بازارهای مالی حائز اهمیت است و این پژوهش قصد دارد به بررسی رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر پیامدهای قدرت و حاکمیت با طراحی مدل حد آستانه‌ای انتقال ملایم که می‌تواند اثرات آستانه‌ای را برای رژیم خطی و غیرخطی نشان دهد، مورد بررسی واقع می‌شود. عبارتی از آنجایی که انتظار می‌رود متغیرهای بانکی، کلان اقتصادی و حاکمیتی بر فاصله طبقاتی اثرگذار باشد، با هدف مشخص کردن اثر مستقیم و غیرمستقیم عوامل بانکی، کلان اقتصادی و حاکمیتی بر فاصله طبقاتی با وجود نقش آستانه‌ای توسعه

⁸. Csonto et al

⁹. Alfaro et al

¹⁰. Kose et al

¹¹. Baiardi et al

¹². Rioja and Valev

¹³. Altunbas et al

¹. Longstaff et al

². Kakar et al

³. Jaramillo and Weber

⁴. Kennedy and Palerm

⁵. Jaramillo and Weber

⁶. Jüttner et al

⁷. Dailami et al

مالی سنجیده می‌شود که در ادامه به تفصیل به بررسی این عوامل خواهیم پرداخت.

۱-۲- بررسی دیدگاه‌های مربوط به سیاست پولی و نابرابری توزیع درآمد:

در مباحث مدرن اقتصاد کلان، چندین روش انتقال وجود دارد که اثرات سیاست پولی را از کانال جانشینی^۱، کانال ثروت^۲، کانال نرخ بهره^۳، کانال نرخ ارز^۴، کانال اعتباری^۵، کانال وام دهی بانکی و کانال ترازنامه به اقتصاد حقیقی منتقل می‌کند. دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تاثیر سیاست پولی و تسهیلات بانکی بر بخش حقیقی اقتصاد وجود دارد. هر چند فرضیه دو گانگی کلاسیک‌ها قبل از بحران بزرگ ۱۹۲۹ هیچ تعاملی میان متغیرهای حقیقی و اسمی در کوتاه مدت و بلندمدت قائل نبود، اما امروزه کمتر اقتصاددانانی را می‌توان پیدا نمود که معتقد باشد تغییرات در قیمت‌ها و حجم پول و تسهیلات بانکی یا بطور کلی تکانه‌های اسمی، رفتار متغیرهای حقیقی مانند تولید، مصرف و اشتغال را در کوتاه مدت تحت تاثیر قرار نمی‌دهند. اکثر اقتصاددانان خنثی بودن پول را حداقل در دوره کوتاه مدت نمی‌پذیرند. در حقیقت بسیاری از محققان سهم بزرگی از نوسانات تجاری را به تکانه‌های پولی نسبت می‌دهند. نظر آنان بر این است که انبساط پولی محرک فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود و برعکس یک سیاست پولی انقباضی منجر به رکود می‌گردند. به لحاظ نظری برخی از مکاتب اقتصادی نظیر چرخه‌های تجاری اعتقاد دارند که حجم پول حتی در کوتاه مدت هم تاثیری بر متغیرهای حقیقی ندارد و از این رو مکانیزم انتقال سیاست پولی محدود و فاقد ارزش مطالعاتی می‌باشد. در حالیکه سایر مکاتب اقتصادی نظیر کینزین‌ها^۶، پولیون^۷، نئوکینزین‌ها^۸، نئوکلاسیک‌ها^۹ به آثار کوتاه مدت شوک‌های پولی اعتقاد دارند که البته منابع آنها می‌تواند متفاوت باشد (بلتینی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹).

به هر حال علاوه بر اختلاف نظر راجع به منبع و میزان تاثیرگذاری سیاست پولی همواره موارد دیگری مانند نااطمینانی در خصوص میزان اثر، کانال‌های اثرگذاری، مدت زمان لازم برای شروع اثرگذاری، ماندگاری اثر و زمان به اوج رسیدن اثر نیز چالش میان اقتصاددانان بوده است. بنابراین نتایج بررسی ادبیات وسیع سیاست‌های پولی نشان داد، کلاسیک‌ها اعتقادی به اثرگذاری سیاست پولی ندارند و اجرای آن، تنها تغییرات قیمت را به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب، اثری بر توزیع درآمد و رفاه نخواهد داشت. در مقابل، کینزین‌ها معتقدند که به ازای قیمت‌های مشخص، افزایش حجم اسمی پول، موجب افزایش عرضه حقیقی پولی می‌شود؛ در نتیجه، نرخ بهره‌ای تعادلی کاهش یافته و به دنبال آن، سرمایه‌گذاری و تولید نیز افزایش خواهد یافت. به این ترتیب اشتغال و درآمد تحت تاثیر قرار گرفته و این امر بر رفاه موثر خواهد بود. موضوع پولیون، بیانگر آن بود که از میان سیاست‌های موجود سیاست‌های پولی می‌تواند موجب تغییر در تقاضای کل شده و بدین ترتیب، تولید و قیمت را تحت تاثیر قرار دهد. کلاسیک‌های جدید، با طرح انتظارات عقلایی و انعطاف-پذیری دستمزدها عنوان می‌کنند؛ در صورتی که سیاست‌های پولی، قابل پیش‌بینی باشند، این سیاست‌ها خنثی هستند، اما در صورت غیر قابل پیش‌بینی بودن، سیاست پولی می‌تواند بر تولید و رفاه جامعه تاثیرگذار باشد (آلتونباس و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸). دیدگاه چرخه‌های تجاری حقیقی بر این است که سیاست پولی کاملاً منفعل است و چیزی که باعث تغییر تولید می‌شود، تغییر در تکنولوژی و بهره‌وری است. نهایتاً کینزین‌های جدید به فقدان انعطاف‌پذیری کامل دستمزدها و قیمت‌ها در کوتاه مدت اعتقاد دارند و استدلال می‌کنند که سیاست پولی می‌تواند بر متغیرهای حقیقی اقتصاد از جمله تولید حداقل در کوتاه مدت تاثیر بگذارد. به طور کلی، راه‌های تاثیرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای حقیقی را می‌توان

7. Monetarists

8. New Keynesian

9. Neoklassical

10. Belletini et al

11. Altunbas et al

1. Substitute channel

2. Weeith channel

3. interest Rate channel

4. exchange Rate channel

5. credite channel

6. Keynesian

مناسب، در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. بنابراین ایجاد توزیع درآمد متعادل، یکی از اهداف مهم دولت‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی است (اوفوری و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

بر این اساس به نظر می‌رسد دموکرات یا اقتدارگرا بودن ساختار حاکم نیز می‌تواند عامل تعیین کننده‌ای برای تعیین وضعیت توسعه یافتگی و توزیع درآمد باشد. مطابق با دیدگاه ناسازگاری عجم اوغلو و رابینسون^۴ (۲۰۰۶)، یک رابطه مابین دموکراسی و رشد اقتصادی وجود دارد. اولین استدلال طرفداران این مکتب، ریشه در رویکرد و اثرات بازتوزیعی دموکراسی دارد. به این صورت که حکومت‌های دموکراتیک بیشتر از حکومت‌های اتوکراسی، طرفدار فقرا هستند، ضمن اینکه توزیع درآمد در حکومت‌های دموکراتیک، نسبت به حکومت‌های غیر دموکراتیک، از برابری بیشتر برخوردار است. لذا مطابق با دیدگاه ناسازگاری، زمانی که رویکرد جامعه از اتوکراسی به دموکراسی تغییر می‌یابد، توزیع درآمد بهبود می‌یابد (سیمور مارتین لیپست^۵ (۱۹۵۹)، روشمایر و همکاران^۶ (۱۹۹۲)، دایاموند^۷ (۱۹۹۲)، لیپست و همکاران^۸ (۱۹۹۵)، عجم اوغلو و رابینسون، ۲۰۰۶).

در دیدگاه مقابل؛ نظام‌های اتوکراسی بر خلاف نظام‌های دموکراسی از دو امتیاز مهم جهت سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی برخوردارند. نخست اینکه یک نظام اتوکراسی راحت‌تر می‌تواند به سیاست‌هایی که می‌بایست اجرا شود، اما با مخالفت جامعه مواجهه است، عمل کند، بنابراین کشورهای با نظام‌های اتوکراسی راحت‌تر می‌توانند مصرف و پس‌انداز را کنترل نمایند و با برنامه‌ریزی متمرکز منابع را به سمت سرمایه‌گذاری جاری سوق دهند که این امر منجر به کاهش فاصله طبقاتی می‌شود. برخی کشورهای با نظام سوسیالیسم یا کنترل اجباری^۹ مصرف و میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خود را تا حد مطلوبی افزایش می‌دهند. از

به نرخ بهره، تغییر قیمت دارایی‌ها و اعتبارات بانکی تقسیم‌بندی کرد. در مطالعه حاضر این اثرگذاری از کانال اعتبارات بانکی بر نابرابری توزیع درآمد بررسی می‌شود.

۲-۲- بررسی رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد از کانال اعتبارات بانکی

براساس این مکانیزم که مبتنی بر ساختار بازارهای مالی است، انتقال سیاست پولی به سه روش، شامل تاثیر بر وضعیت منابع مالی بانک‌ها (کانال اعتبار یا دیدگاه وام)، تاثیر بر تامین منابع مالی خارج از منابع داخلی بنگاه‌ها و تغییر وضعیت مالی بنگاه‌ها (کانال تراز موجودی) انجام می‌شود. براساس روش اول، با اتخاذ سیاست پولی انبساطی، قدرت وام‌دهی بانک‌ها افزایش می‌یابد. از این رو، وجوه لازم برای تامین مخارج سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و موجب افزایش تقاضای کل می‌شود. در روش دوم سیاست پولی از طریق عرضه اعتبارات بانک‌های تجاری، هزینه تامین منابع مالی خارج از منابع داخلی بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر مبنای روش سوم سیاست پولی انبساطی از طریق افزایش قیمت سهام، انگیزه اعطای وام را افزایش می‌دهد، لذا انتظار می‌رود که تولید نیز افزایش یابد (سیلوا و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

۲-۳- بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص نقش حاکمیت در نابرابری درآمد

مشکل عدم توزیع مناسب درآمد و افزایش نابرابری درآمدی^۲ غالباً از دید مسائل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد و همین امر موجب شده است تا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای رفع این مشکل توصیه شود. درحالی که پدیده نابرابری درآمد به خاطر مقاومت نیروهای درونی، پایداری از خود نشان داده و اجرای سیاست‌های کوتاه‌مدت و بدون شناخت عوامل تاثیرگذار حاکمیتی، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد به دنبال دارد. برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل موثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاست‌های

^۶. Rueschmeyer and et al

^۷. Diamond

^۸. Lipset and et al

^۹. Suppression of Consumption

^۱. Selva et al

^۲. Income inequality

^۳. Ofori et al

^۴. Acemoglu and Robinson

^۵. Seymour Martin Lipset

اینرو، به واسطه سرمایه‌گذاری بیشتر به‌ویژه در بخش کالاهای سرمایه‌ای این کشورها به رشد اقتصادی بالا و نابرابری پایین قابل توجهی دست می‌یابند. از اوایل دهه ۱۹۵۰ چنین بحث‌هایی در ادبیات اقتصادی به وجود آمد. حتی برخی کارشناسان سیاسی مانند هانتینگتون (۱۹۷۵) بر این باورند که چون نظام‌های دموکراسی قادر به محدود کردن تقاضا در سیستم اقتصادی و سیاسی خود نیستند، از لحاظ رشد اقتصادی در رتبه‌های پایین‌تری قرار می‌گیرند و نمی‌توانند فاصله طبقاتی مابین شهروندان خود را کاهش دهند. مورد دومی که سال‌ها نگرانی صاحب‌نظران را در برداشته، نظام‌های دموکراسی و درعین‌حال فاقد قدرت سیاسی کافی بوده است. اخیراً بحث‌هایی در خصوص آسیب‌پذیر بودن نظام‌های دموکراسی در برابر جریان‌های سیاسی و اجتماعی به‌ویژه از سوی اتحادیه‌های کارگری مطرح شده است. در سیستم دموکراسی اتحادیه‌های کارگری به واسطه قدرت و نفوذ خود می‌توانند درآمد بیشتری را به خود اختصاص دهند که در این صورت سود صاحبان سرمایه کاهش یافته و این امر منجر به کاهش فاصله طبقاتی و از طرفی منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. با این وجود، در نظام‌های اتوکراسی هیچ تضمینی در خصوص کارآمد بودن دولت وجود ندارد، چرا که دولت غیردموکراتیک می‌تواند اصالت را از منافع اجتماعی به منافع گروهی تغییر داده و کارایی تخصیص و توزیع را در اقتصاد کاهش دهد و از این کانال موجب کندی رشد اقتصادی شده و زمینه را برای فقر بیشتر و افزایش یافتن فاصله طبقاتی و نابرابری درآمدی فراهم نماید. در این رابطه می‌توان کشورهای آفریقایی را مثال زد. بجز آفریقای جنوبی اکثر کشورهای قاره آفریقا تحت سلطه نظام فاسد اداری و مالی بوده که از هر نوع تشکلهای مدنی اجتماعی نیز محروم هستند. این امر به این معنا نیست که الزاماً دموکراسی و توسعه سیاسی می‌تواند موجبات کاهش نابرابری درآمدی را فراهم سازد و رفاه بیشتری را به ملت ارمغان بیاورد. با توجه به شواهد به‌دست آمده از نتیجه‌گیری دو دیدگاه نمی‌توان به طور یقین ادعا نمود که ثبات سیاسی، حکمرانی موثر و نظام

دموکراسی یا اتوکراسی، نابرابری درآمدی را تقویت یا تضعیف می‌کند.

۴-۲- پیشینه مطالعات

اوفوری و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی وجوه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد در آفریقا؛ آستانه توسعه مالی برای سیاست اقتصادی از داده‌های کلان در ۴۲ کشور آفریقایی و بر اساس برآوردگر *GMM* پویا پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که: (۱) تسهیلات پرداختی نابرابری درآمد را در آفریقا افزایش می‌دهد، (۲) سیستم مالی آفریقا برای سوق دادن تسهیلات به سمت یکسان سازی درآمدها به اندازه کافی قدرتمند نیست، و (iii) در مقابل مالی. دسترسی و عمق، ناکارآمدی مشخص کننده مؤسسات مالی آفریقا، دلیل اصلی کمک به افزایش شکاف نابرابری درآمد است. با این وجود، خوشبینی که ما از طریق تحلیل آستانه ارائه می‌کنیم نشان می‌دهد که هدایت منابع به سمت توسعه بخش مالی آفریقا می‌تواند سود تقسیمی توزیع درآمد را به همراه داشته باشد. به طور خاص، اگر بخش مالی آفریقا بخواهد حواله‌ها را به سمت یکسان کردن درآمدها بسته‌بندی کند، باید برای دستیابی به حداقل آستانه ۲۳،۰۵ (شاخص) برای دسترسی مالی و ۳،۰۲ (شاخص) برای کارایی مؤسسات مالی تلاش کرد.

مرینو^۲ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی سیاست پولی و نابرابری دستمزد در آفریقای جنوبی طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۰ و مدل خودرگرسیون برداری (VAR) پرداختند. پیامدهای توزیعی سیاست پولی به‌تازگی و تقریباً به طور کامل در اقتصادهای پیشرفته مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله تاثیر شوک‌های سیاست پولی متعارف را بر توزیع دستمزد در آفریقای جنوبی روشن می‌کند، جایی که نابرابری - که عمدتاً توسط بازار کار تقسیم‌شده هدایت می‌شود - همچنان یک مسئله بزرگ است. توابع پاسخ ضربه‌ای برآورد شده از پیش‌بینی‌های محلی نشان می‌دهد که توزیع دستمزد به طور قابل توجهی در پاسخ به شوک‌های پولی بدتر می‌شود. دستمزدها در نیمه‌بالای توزیع، که از توسعه‌های پیش‌بینی نشده سود می‌برند، کمتر به انقباضات غافلگیرکننده واکنش نشان می‌دهند و

². Serena Merrino

¹. Ofori et al

توسط فناوری‌های مبتنی بر مهارت و اتحادیه‌های کارگری قوی محافظت می‌شوند.

چن و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی غیرخطی بودن اثرات توسعه مالی و ساختار شکنندگی بازارهای مالی بر بیکاری و نابرابری پرداختند. نقش مثبت بخش مالی در ارتقای رشد اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۹۰ در بین دانشگاهیان و متخصصان به خوبی تثبیت شده است. با این حال، اخیراً، شواهد فزاینده‌ای مبنی بر ناپدید شدن و حتی تاثیر منفی بخش‌های مالی در سطوح بالای عمق مالی، به‌ویژه از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۹، وجود دارد. بخش مالی بیش‌ازحد می‌تواند به رشد آسیب برساند. این مقاله با بررسی اینکه آیا تامین مالی بیش‌ازحد به بیکاری آسیب می‌رساند یا خیر، تمرکز را به سمت نتایج بازار کار تغییر می‌دهد. با استفاده از یک مدل همزمان پویا از طریق برآورد سیستم *GMM* و پانلی از ۹۷ کشور *OECD* و غیر *OECD* برای دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۵، متوجه می‌شویم که پاسخ به نوع مالی و میزان انعطاف‌پذیری بازار کار یک کشور بستگی دارد. به طور خاص، (۱) توسعه مالی بیش‌ازحد به بیکاری و کاهش نابرابری برای کشورهایی با بازارهای کار سفت‌تر آسیب می‌زند. (۲) سیستم‌های مالی بانک محور یا بازارمحور خیلی کم، بیکاری و نابرابری را بدتر می‌کند، به‌ویژه برای کشورهایی که بازارهای کار انعطاف‌پذیرتری دارند. و (iii) اعتبار بیش‌ازحد به شرکت‌های خصوصی، بیکاری و نابرابری را در کشورهایی با بازارهای کار سخت‌تر بدتر می‌کند، درحالی‌که اعتبار بسیار کم به خانوارها، بیکاری و نابرابری را در کشورهایی با بازارهای کار انعطاف‌پذیرتر بدتر می‌کند. شواهد همچنین نشان می‌دهد که این پیامدهای بیکاری و کاهش نابرابری احتمالاً از طریق کانال‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینی انجام می‌شود.

سیلوا و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی فرصتی برای تغییر یا تقویت نابرابری؟ پیامدهای قدرت، حکمرانی و عدالت پرداخت‌های دولتی برای حفاظت در برزیل پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که چگونه ظرفیت نهادی محلی ضعیف، حکمرانی موثر درآمد را محدود می‌کند، که

منجر به نتایج محدود اجتماعی مثبت می‌شود. علاوه بر این، مشوق‌های ارائه‌شده توسط مکانیسم فعالیت‌های نهادی را تحریک می‌کند که مستلزم هزینه‌های بالایی برای فقرای روستایی است. بکارگیری چارچوب حکمرانی خوب، توسعه توصیه‌هایی را برای بهبود برابری اجتماعی سیاست‌های انتقال مالی هدایت می‌کند.

صوری و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سیاست پولی بهینه بر نقدینگی و نابرابری توزیع درآمد طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸ با مدل اقتصادسنجی خود رگرسیون با وقفه‌های توزیع شده یا *ARDL* پرداختند. مطابق نتایج سیاست‌های پولی بهینه تأثیر مثبت و معناداری بروی تعدیل حجم نقدینگی دارد. سیاست‌های پولی بهینه تأثیر مثبت و معناداری بر روی برابری درآمد دارد.

جعفری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۷ با استفاده از روش *ARDL* پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت و بلندمدت، چنانچه میزان حجم پول، نرخ تورم، نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار، نرخ ارز و مخارج دولت افزایش یابد، نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد و افزایش درآمدهای مالیاتی سبب کاهش نابرابری درآمدی گردیده است. همچنین قدرت تعدیل مدل برابر با ۵۹ درصد است.

شاکری و جلیلی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر نابرابری توزیع درآمد استانی در ایران: رهیافت پانل پروبیت کسری در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۴ پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد، فرضیه کوزنتس را تایید نمی‌کند همچنین متغیرهای مخارج دولتی سرانه، توسعه مالی و تورم، اثر منفی و معنی‌دار بر متغیر ضریب جینی داشتند. براساس نتایج به‌دست آمده، پیشنهاد می‌شود که دولت به اجرای سیاست‌هایی در راستای توسعه مالی و افزایش کارایی ابزارهای مالی، اقدام نماید و همچنین سرمایه‌گذاری مخارج دولتی برای امور آموزشی، بهداشتی را به‌منظور بهره‌مندی همه اقشار جامعه، در دستور کار خود قرار دهد.

². Selva et al

¹. Ting-CihChen et al

پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر کیفیت حکمرانی در منتخبی از کشورهای عضو بانک توسعه اسلامی (ISDB) است. شکل عمومی مدل $PSTR$ با توجه به این که متغیر وابسته شاخص نابرابری درآمد (ضریب جینی) و متغیرهای توضیحی؛ تسهیلات دریافتی، توسعه مالی، سطح تحصیلات، تورم، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سطح فن‌آوری، کنترل فساد و کیفیت مقررات است، به صورت زیر می‌باشد:

(۱)

$$Gini\ index_t = \alpha_0 + \beta_1 Facilities_t + \beta_2 FD_t + \beta_3 CC_t + \beta_4 QR_t + \beta_5 INF_t + \beta_6 HC_t + \beta_7 ICT_t + \beta_8 FDI_t(\theta_1 Facilities_t + \theta_2 FD_t + \theta_3 CC_t + \theta_4 QR_t + \theta_5 INF_t + \theta_6 HC_t + \theta_7 ICT_t + \theta_8 FDI_t)F(S_t, \gamma, c) + u_t$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(\gamma, s_t, c) = \quad (2)$$

$$(1 + FD\{-\gamma(s_t - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0$$

$Gini\ index_t$: بیانگر شاخص ضریب جینی در دوره t ، $Facilities_t$ بیانگر تسهیلات پرداختی بانکها، FD_t بیانگر اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به GDP بعنوان شاخص توسعه مالی، CC_t کنترل فساد؛ در رتبه بندی کشورها براساس معیار کنترل فساد از صدک رتبه $(Percentile\ Rank)$ که معیاری ما بین ۰ تا ۱۰۰ می باشد که هر چقدر رتبه کشورها به سمت ۱۰۰ نزدیکتر شود، نشان از بهبود شاخص کنترل فساد می باشد، استفاده می شود. QR_t بیانگر کیفیت مقررات؛ در رتبه بندی کشورها براساس معیار کیفیت مقررات از صدک رتبه $(Percentile\ Rank)$ که معیاری ما بین ۰ تا ۱۰۰ می باشد که هر چقدر رتبه کشورها به سمت ۱۰۰ نزدیکتر شود، نشان از بهبود شاخص کیفیت مقررات می باشد، استفاده می شود. INF : نرخ تورم، HC : سطح تحصیلات، ICT : شاخص توسعه فن آوری نوین: نشان دهنده شاخص توسعه فن آوری نوین است. این شاخص توسط اتحادیه جهانی مخابرات منتشر شده است و شامل سه مؤلفه اصلی

منتظری و زاهد غروی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین اندازه دولت و نابرابری توزیع درآمد در ایران: رهیافت الگوی خودرگرسیون برداری مارکوف سوئیچینگ طی دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۴۸ پرداختند. یافته‌های این مطالعه ضمن تایید دیدگاه همپلتون نشان می‌دهد که رابطه بین اندازه دولت و نابرابری توزیع درآمد در اقتصاد ایران یک رابطه خطی نبوده و اساساً تحت تاثیر مقتضیات زمانی قرار داشته است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که تنها در رژیم صفر (دوره زمانی ۱۳۶۲-۱۳۴۸) یک رابطه علی یک‌طرفه مثبت از نابرابری توزیع درآمد به سمت اندازه دولت وجود داشته، در حالی که در رژیم یک (دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۶۳) هیچ نوع رابطه علی بین دو متغیر تحت مطالعه مشاهده نشده است. به عبارت دیگر، می‌توان از تلاش در جهت بهبود وضعیت توزیع درآمد - در کنار وفور درآمدهای ارزی نفتی - به عنوان یکی از عوامل اندازه بزرگ دولت در دوره زمانی ۱۳۶۲-۱۳۴۸ نام برد. همچنین، نکته حائز اهمیت دیگر این است که در هیچ یک از دو رژیم تحت بررسی، هیچ‌گاه اندازه بزرگتر دولت منجر به توزیع برابرتر درآمد در اقتصاد ایران نشده است.

با نگاهی به مطالعات انجام شده در داخل کشور، قابل مشاهده است که تحقیقات گوناگونی در خصوص عوامل اثرگذار بر نابرابری درآمد صورت گرفته است که بدان‌ها اشاره گردید، ولی نوآوری مطالعه حاضر نگاه کردن به رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با اثرات آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی با تاکید بر کیفیت حکمرانی است، که باتوجه به شرایط اقتصادی کشور کشورهای منتخب عضو بانک توسعه اسلامی (ISDB)، بررسی موضوع حاضر می‌تواند شکاف مطالعات قبلی در این حوزه را به خوبی نشان دهد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

هدف این مطالعه با پیروی از مطالعات اوفوری^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، مرینو^۲ (۲۰۲۲)، چن و همکاران^۳ (۲۰۲۱) و سیلوا و همکاران^۴ (۲۰۲۰) تحلیل رابطه تسهیلات

³. Ting-CihChen et al

⁴. Selva et al

¹. Ofori et al

². Serena Merrino

مدل $PSTR$ نمایی ($m=2$) خواهد بود. نتایج آزمون تشخیص در جدول (۱) نشان می‌دهد که خطی بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه غیرخطی تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر کیفیت حکمرانی در کشورهای مورد بررسی وجود دارد و قاعدتاً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش $PSTR$ استفاده شود.

جدول (۱): نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل (آزمون BBC)

فرض صفر	آماره F	سطح معنی داری
آزمون والد	۵/۹۸۶	۰/۰۰۰
آزمون فیشر	۴/۷۸۶	۰/۰۰۰
آزمون LRT	۳/۶۹۸	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در نتیجه آزمون انجام شده در جدول (۳) نیز مشهود است، فرضیه خطی بودن رابطه بین متغیرها مردود است، بنابراین احتمال وجود رابطه خطی بین متغیرها نفی می‌گردد. همچنین لازم به ذکر است که مدل ($PSTR$) پیشنهادی توسط متغیر انتقال انتخاب شده به عنوان مدل بهینه جهت برآورد مدل در کشورهای منتخب انتخاب می‌شود. برای این منظور به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) فرضیه صفر وجود الگوی $PSTR$ با یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود الگوی $PSTR$ با حداقل دو تابع انتقال مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کفایت لحاظ نمودن یک تابع انتقال در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای رد نشده است. بنابراین یک تابع انتقال قادر به تصریح رفتار غیر خطی میان تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر کیفیت حکمرانی می‌باشد.

جدول (۲): آزمون وجود رابطه غیرخطی باقیمانده

دسترسی، استفاده و مهارت می‌باشد. رتبه بندی این شاخص براساس امتیاز صفر تا ده می‌باشد. امتیاز بالاتر به معنی بالا بودن درجه توسعه یافتگی ICT و امتیاز پایینتر به معنی پایین بودن درجه توسعه یافتگی ICT کشورها می‌باشد، FDI : سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. به منظور بررسی ویژگی‌های مدل STR با تابع انتقال لاجستیک بر اساس مدل ون‌دیک^۱ (۱۹۹۹)، فرض می‌شود متغیر وابسته تنها تابعی از مقادیر وقفه‌دار خودش باشد. در این صورت با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی رابطه زیر به دست می‌آید:

$$Gini\ index_t = (\theta_0 + \theta_1 Gini\ index_{t-1} + \dots + \theta_p Gini\ index_{t-p}) + (\phi_0 + \phi_1 Gini\ index_{t-1} + \dots + \phi_p Gini\ index_{t-p}) G(FD_t, \gamma, c) + u_t$$

نتایج این مدل یک مدل $PSTR$ دو رژیمی نامیده می‌شود که پارامتر مکان c نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی $G(FD_t, \gamma, c) = 1$ و $G(FD_t, \gamma, c) = 0$ را نشان می‌دهد که $G(FD_t, \gamma, c) = 0.5$ است. γ نشانگر سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و مقادیر بیشتر γ بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است. جامعه آماری مطالعه حاضر کشورهای منتخب عضو بانک توسعه اسلامی (ISDB) شامل؛ عربستان، ایران، نیجریه، قطر، مصر، ترکیه، مالزی، مراکش، اردون، عمان، بحرین و امارات طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ و با استفاده از مدل رگرسیون انتقال ملایم پانل ($PSTR$) می‌باشد.

۴- نتایج و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۴-۱- آزمون خطی بودن، انتخاب متغیر انتقال و نوع

مدل

برای بررسی وجود رابطه خطی یا غیر خطی بین متغیرهای مدل باید بررسی شود که آیا (m) تعداد پارامترهای رژیم یک است یا خیر. لازم به ذکر است که در آزمون‌های ذیل فرض بر آن است که مدل خطی است و فرض مقابل نیز مدل $PSTR$ لاجستیک ($m=1$) یا

^۱. Van Dijk

(U) شکل معکوس بین توسعه مالی و توزیع درآمد می‌باشد که در رژیم خطی این اثر مثبت و معنی‌دار می‌باشد و با گذر از حد آستانه (۰/۲۱-) مطابق نمودار (۱) و انتقال به رژیم غیرخطی، تاثیر اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به GDP (FD) بر نابرابری توزیع درآمد منفی می‌شود.

در اکثر اقتصادها بانک‌ها مرکز سیستم مالی پرداخت‌ها بوده و نقش مهمی در فرآیند تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری از طریق بازار آزاد تجاری، متنوع‌سازی ریسک ایفا می‌کنند. از این‌رو اندازه، ساختار و کارایی بخش بانکی به‌عنوان یک بعد مستقل توسعه مالی مورد توجه است. سوددهی بانک‌ها، اعتبارات پرداختی و دسترسی آسان بخش خصوصی به اعتبارهای بانکی در این بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر پایه مطالعات انجام‌شده، فعالیت بانک‌ها در فضای رقابتی شامل مداخله کمتر دولت و تمرکز کمتر بازار، کارایی و رشد بیشتری خواهد داشت. سیستم مالی از طریق کسب اطلاعات در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، تجمع پس‌اندازها و همچنین تسهیل در مبادله‌ها باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی شده و با بهبود در تخصیص مناسب منابع مالی در فرصت‌های سرمایه‌گذاری، زمینه لازم را برای کاهش نابرابری درآمدی فراهم می‌سازد. همچنین توسعه بخش پولی در این بعد علاوه بر شاخص عمق مالی حدود استفاده دولت‌ها از ابزارهای سیاست پولی غیرمستقیم از طریق نرخ بهره و ارائه تسهیلات بانکی، کارایی نهاد سیاست‌گذاری پولی و همچنین سهمیه‌بندی اعتبار دولت را نشان می‌دهد که در صورت توجه بیشتر، بر کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند. برخی از اقتصاددانان نسبت به جهانی شدن اقتصاد و ورود سرمایه خارجی و توسعه بازارهای مالی خوش‌بین هستند، زیرا آن‌ها ارزش زیادی برای کارایی مثبت اقتصاد قائل هستند. به نظر آنها، هرچه مقیاس بازار جهانی‌تر باشد، تخصیص منابع نیز موثرتر خواهد بود. منابع را می‌توان از جهت‌گیری‌های کم‌ارزش به مصارف سازنده‌تر سوق داد، تعرفه‌های پایین‌تر به کنترل و پایین نگه داشتن تورم و افزایش رقابت کمک می‌کنند. سرمایه‌گذاری خارجی،

حالت وجود دو حد آستانه			حالت وجود یک حد آستانه $M=1$		
$M=2$			LM_w	LM_f	LR
۱/۱۲۳	۱/۱۲۶	۰/۹۹۸	۱/۰۱۲	۰/۹۸۷	۱/۱۳۵
(۰/۴۵۲)	(۰/۵۵۲)	(۰/۷۵۶)	(۰/۶۵۴)	(۰/۷۸۹)	(۰/۵۷۸)

$$H_0: r=1, H_1: r=2$$

منبع: یافته‌های تحقیق

با تأیید وجود رابطه غیر خطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیرخطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب گردد. برای این منظور مدل $PSTR$ متناظر با هر یک از این حالت‌ها برآورد خواهد شد و از میان آنها بر اساس معیارهای مجموع مجذور باقی مانده ها، شوارتز و آکائیک مدل $PSTR$ با لحاظ یک حد آستانه‌ای مدل بهینه است. لذا یک مدل $PSTR$ با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیر خطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌گردد.

۴-۲- نتایج تخمین مدل

با استفاده از یک مدل $PSTR$ که در آن متغیر انتقال توسعه مالی است، تابع تحلیل تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر کیفیت حکمرانی مدل-سازی می‌شود. نتایج برآورد قسمت خطی مدل (رژیم اول) نشان می‌دهد که متغیرهای تسهیلات پرداختی بانک‌ها ($Facilities$)، کنترل فساد (CC)، کیفیت مقررات (QR)، سطح تحصيلات (HC) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (HC) رابطه منفی با شاخص نابرابری درآمد دارند. همچنین نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل (رژیم دوم) نشان از وجود رابطه منفی متغیرهای تسهیلات پرداختی بانک‌ها ($Facilities$)، اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به GDP (FD)، کنترل فساد (CC)، کیفیت مقررات (QR)، توسعه فن آوری نوین (ICT)، سطح تحصيلات (HC) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (HC) با شاخص نابرابری درآمد را نشان می‌دهد. متغیر نرخ تورم در هر دو رژیم خطی و غیرخطی اثر مثبت معنی‌دار بر نابرابری توزیع درآمد دارد. اما نکته‌ای که وجود دارد، تأیید تئوری غیرخطی گرین وود و جوانوایس و رابطه

تکنولوژی، نوآوری و مهارت‌های مدیریتی را با خود به ارمان می‌آورد. مشاغل جدید برای پاسخ‌گویی به بازارهای جهانی پدید می‌آیند. بیکاری صرفاً در بخش‌های ناکارآمد می‌افتد، مطابق این دیدگاه، شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که اقتصادهای بازار آزاد دو برابر بیشتر از اقتصاد بسته رشد کرده‌اند.

جدول (۳): برآورد الگو به وسیله مدل *PSTR*

مدل (نابرابری توزیع درآمد)				
برآورد قسمت خطی مدل				
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
<i>CONSTANT</i>	-۰,۳۸۷۶۷۲	۰,۱۸۳۵۸۹	-۲,۱۱۱۶۲۸	۰,۰۳۵۱
<i>Facilities</i>	-۰,۱۵۴۰۵۱	۰,۰۵۹۳۰۷	-۲,۵۹۷۵۲۴	۰,۰۱۵۳
<i>FD</i>	۰,۰۷۴۹۴۲	۰,۰۱۶۸۹۸	۴,۴۳۴۹۶۲	۰,۰۰۰۱
<i>CC</i>	-۰,۰۸۵۲۵۲	۰,۰۲۸۶۸۷	-۲,۹۷۱۷۷۹	۰,۰۰۳۱
<i>QR</i>	-۰,۱۳۲۸۳۵	۰,۰۲۰۰۲۷	-۶,۶۳۲۷۸۸	۰,۰۰۰۰
<i>INF</i>	۰,۰۵۴۳۷۶	۰,۰۰۵۸۵۲	۹,۲۹۲۳۳۷	۰,۰۰۰۰
<i>HC</i>	-۰,۱۰۸۵۰۳	۰,۰۲۹۸۰۴	-۳,۶۴۰۶۰۳	۰,۰۰۰۳
<i>ICT</i>	-۰,۰۵۰۳۴۷	۰,۰۴۳۴۳۱	-۱,۱۵۹۲۲۵	۰,۲۴۷۹
<i>FDI</i>	-۰,۰۵۹۱۱۲	۰,۰۲۱۲۱۰	-۲,۷۸۶۹۹۲	۰,۰۰۵۵
برآورد قسمت غیرخطی مدل				
<i>CONSTANT</i>	-۰,۸۲۲۶۷۹	۰,۰۴۷۸۸۳	-۱۷,۱۸۰۸۶	۰,۰۰۰۰
<i>Facilities</i>	-۰,۱۶۹۱۹۲	۰,۰۲۷۸۳۱	-۶,۰۷۹۱۵۴	۰,۰۰۰۰
<i>FD</i>	-۰,۴۹۰۶۰۷	۰,۰۹۳۵۱۶	-۵,۲۴۶۲۵۶	۰,۰۰۰۰
<i>CC</i>	-۰,۱۴۴۹۸۸	۰,۰۶۵۱۹۵	-۲,۲۲۳۹۲۰	۰,۰۲۶۵
<i>QR</i>	-۰,۲۷۲۱۲۰	۰,۰۹۸۱۰۲	-۲,۷۷۳۸۳۹	۰,۰۰۵۸
<i>INF</i>	۰,۴۴۳۱۳۰	۰,۱۶۵۲۴۴	۲,۶۸۱۶۶۶	۰,۰۰۷۵
<i>HC</i>	-۰,۱۸۰۶۳۴	۰,۰۷۱۰۲۷	-۲,۵۴۳۱۹۴	۰,۰۱۱۲
<i>ICT</i>	-۰,۱۰۷۷۹۹	۰,۰۲۰۲۷۱	-۵,۳۱۷۷۹۱	۰,۰۰۰۰
<i>FDI</i>	-۰,۱۴۳۰۱۸	۰,۰۳۵۵۹۱	-۴,۰۱۸۴۰۱	۰,۰۰۰۱
(C) حد آستانه‌ای	-۰,۲۱۱۱۴۶	۰,۰۱۲۳۵۱	-۱۷,۰۹۵۴۵	۰,۰۰۰۰
(η) پارامتر شیب	۱,۴۰۳۳۱۴	۰,۲۲۶۹۴۷	۶,۱۸۳۴۴۷	۰,۰۰۰۰

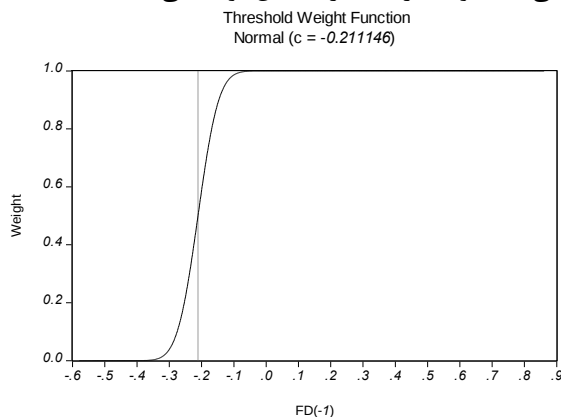
ضریب تعدیل شده $(R^2) = ۰,۸۵$

منبع: یافته‌های تحقیق

ازطرفی یکی از عوامل موثر بر کاهش نابرابری؛ حکمرانی خوب، ثبات سیاسی و اقتصادی و کنترل فساد می‌باشد. بی‌ثباتی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند آثار بسیار مخرب و زیان باری بر پیکره اقتصاد کشورها تحمیل کند و عملکرد توسعه را تحت تاثیر قرار دهد. تمام نظام‌های دموکراتیک معتقدند که هدف از استقرار حکمرانی موثر، ایجاد آزادی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. این آزادی‌ها نه به معنی اشاعه فساد

مالی و فرهنگی و دینی است، بلکه برای شکوفا شدن استعدادهای همه اعضای جامعه است. در یک جامعه دموکراتیک فرد می‌باید حافظ منافع جامعه و جامعه حافظ منافع فرد باشد و برای میسر شدن این امر لازم است تا اعتلای فرهنگی و رفع موانع سیاسی - اقتصادی صورت گیرد. نهادگرایان جدید بر این باورند که تغییرات نهادی از طریق ایجاد تحول در ساختار انگیزشی افراد بر انتخاب‌های آن‌ها و در نتیجه بر عملکرد اقتصادی جامعه

کنند. بنابراین شرایطی که نابرابری درآمد رشد بالاتری را تجربه می‌کند، سیاست‌گذاران بیشتر به دنبال کنترل آن می‌باشند و کمتر به انحرافات آن توجه می‌کنند.



نمودار (۱): ارتباط بین تابع انتقال و متغیر انتقال توسعه مالی
منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۲- آزمون‌های تشخیصی

در مطالعه حاضر از آزمون دوربین واتسون برای بررسی خودهمبستگی استفاده می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون خودهمبستگی

آماره F	Prob	دوربین واتسون
۱/۱۹۸	۰/۶۸۹	۲/۲۹۷

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول فوق مشهود است، نتایج آزمون خودهمبستگی دوربین واتسون نشان می‌دهد، بین اجزای اخلال همبستگی وجود ندارد، بنابراین فرض سوم استاندارد کلاسیک مبنی بر عدم خودهمبستگی بین جملات خطا نقض نمی‌گردد. از این رو تخمین‌زنده‌ها از ویژگی‌های لازم (حداقل واریانس و کارایی) برخوردارند. یکی دیگر از فروض استاندارد کلاسیک فرض واریانس همسانی می‌باشد، در مطالعه حاضر از آزمون بروش-پاگان-گادفری استفاده می‌شود.

جدول (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

آماره F	Prob	بروش-پاگان-گادفری
۱/۴۲۵	۰/۴۳۵	۱/۲۳۶

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، نتایج آزمون حکایت از عدم وجود ناهمسانی واریانس دارند.

۴-۲-۱- آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم

در بلندمدت اثرگذار است. در نظر بگیرید که تغییرات قوانین و مقررات جوامع و نحوه اجرای آن منجر به ایجاد امنیتی گسترده برای صاحبان دارایی‌ها و ایجاد چشم‌انداز امید بخش برای آن‌ها می‌شود. نتیجه این امر نیز منجر به جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و افزایش موجودی سرمایه، درآمد سرانه، کاهش بیکاری و بالطبع کاهش نابرابری از طریق حکمرانی خوب است. درواقع انتظار می‌رود که حکمرانی خوب از طریق کانال‌هایی مانند: برگزاری انتخابات دوره‌ای و منظم، رقابتی کردن عضوگیری حزبی، رقابت‌پذیری استخدام اجرایی، حق اظهار نظر و انتخاب مدیران ارشد و مسئولان دستگاه اجرایی در کشور، تغییر سیستم مدیریت محور به قانون محور و نظارت مردم بر اعمال دولت، تساوی حقوقی، حق مخالفت با حکومت، حق انتخاب شغل، حق تشکیل اتحادیه‌های آزاد کارگری، حق مسافرت آزادانه، مهاجرت موقت و یا دائم و از همه مهم‌تر آزاد بودن از بیم و وحشت، کاهش حجم دولت، ترغیب برای پیگیری منافع شخصی، انتقال کارای اطلاعات، ایجاد شفافیت و کاهش فساد مالی و اداری، افزایش بهره‌وری، ترویج رقابت و رقابت‌پذیری، محدود شدن بخش غیر رسمی و بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه، زمینه توسعه و کاهش نابرابری درآمدی را فراهم می‌کنند.

مقایسه ضرایب در دو رژیم مختلف بر اساس متغیر انتقال و مقادیر آن صورت می‌پذیرد و مقدار متغیر انتقال می‌تواند تابع انتقال و در نتیجه رژیم حاکم را تعیین نماید. در تخمین فوق متغیر انتقال توسعه مالی می‌باشد که مقدار حد آستانه برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۲۱- درصد بوده است. بر اساس فاصله توسعه مالی از این مقدار آستانه الگو از دو رژیم حدی مختلف تبعیت می‌نماید. با مقایسه ضرایب الگو در دو رژیم مختلف ملاحظه می‌گردد که با عبور توسعه مالی از حد آستانه (۰/۲۱-) (انتقال از بخش خطی به غیرخطی) واکنش نابرابری توزیع درآمد به تغییرات این متغیر به شدت افزایش یافته، بدین ترتیب که هر چه نابرابری درآمد بیشتر شده است، سیاست‌گذاران تلاش کرده‌اند که با عکس‌العمل بیشتر به آن، رشد نابرابری درآمد را کنترل نموده و از افزایش آن جلوگیری

از دیگر سنجه‌های مناسب برای ارزیابی کیفیت مدل تخمین زده شده، بررسی تغییرات ضرایب بین دو رژیم است. در صورتی که مدل برآورد شده تخمین مناسبی باشد، انتظار می‌رود ضرایب با تغییر رژیم ثابت و بدون تغییر باقی بمانند.

جدول (۶): نتایج آزمون ثبات پارامتر انتقال هموار

فرض صفر	آماره F	Prob
$b1=b2=b3=b4=0$	۰/۷۸۵	۰/۶۹۸۵
$b1=b2=b3=0$	۰/۷۲۳	۰/۷۱۵۶
$b1=b2=0$	۰/۶۸۹	۰/۷۴۵۶
$b1=0$	۰/۶۵۳	۰/۷۷۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول نیز مشهود است، آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم نشان می‌دهد ضرایب در اثر تغییر رژیم تغییر نمی‌کنند.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توزیع درآمد یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم دولت‌ها می‌باشد و چون غالباً توزیع درآمد از دید مسایل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد، همین امر موجب شده است تا راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای رفع این مشکل توصیه شود؛ درحالی‌که پدیده نابرابری توزیع درآمد، به خاطر مقاومت نیروهای درونی پایداری از خود نشان می‌دهد و اجرای سیاست‌های کوتاه‌مدت و بدون شناخت عوامل تاثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد به‌دنبال دارد. بنابراین برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل موثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاست‌های مناسب، در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. در این مقاله به منظور بررسی رابطه تسهیلات پرداختی و نابرابری درآمد با وجود نقش آستانه‌ای توسعه مالی برای سیاست اقتصادی و با تاکید بر پیامدهای قدرت و حاکمیت، از مدل رویکرد آستانه‌ای پانل و بر اساس داده‌های سالانه ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۱ برای کشورهای منتخب عضو بانک توسعه اسلامی (ISDB) استفاده شد. مطابق نتایج، تسهیلات پرداختی بانک‌ها، اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به GDP، کنترل فساد، کیفیت مقررات، توسعه فن آوری نوین، سطح تحصیلات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تاثیر منفی بر نابرابری درآمد کشورها

دارند. توزیع عادلانه اعتبارات به بخش خصوصی می‌تواند در کاهش نابرابری موثر باشد و پیشنهاد می‌شود که بانک مرکزی تدابیر لازم برای توزیع عادلانه اعتبارات در نظام بانکی را عملیاتی نمایند و همچنین، اقدام برای گسترش بازار سرمایه، بویژه ایجاد امکان دسترسی تمامی افراد به بازار سرمایه می‌تواند باعث بهبود وضعیت بخش مالی و به‌دنبال آن بهبود وضع توزیع درآمد شود. همچنین دولت می‌تواند با محدود نمودن حیطه تصدی خود در امور اقتصادی کاهش و کنترل نرخ رشد نقدینگی، ثبات بخشیدن به درآمدهای خود و به‌کارگیری سیاست‌های افزایش تولید و عرضه به کاهش نرخ تورم اقدام نمایند و از این طریق نابرابری درآمدی کاهش یابد. انتظار می‌رود دولت‌ها اقدام جدی را با اتخاذ تدابیر مناسب از جمله توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، نظارت دقیق بر اعتبارات اشتغال‌زایی و تسهیلات بر بخش خصوصی، زمینه‌سازی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و خارجی، از طریق ثبات سیاست‌ها و کیفیت مقررات و به‌طور کلی رفع موانع فضای کسب‌وکار در تعدیل نرخ بیکاری و کاهش نابرابری را به عمل آورند. همچنین توسعه بازارها و واسطه‌های مالی با از بین بردن ناکارایی‌های بازار سرمایه و فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای افراد کم‌درآمد در جهت استقراض و ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری برای افراد می‌تواند در زمینه بهبود توزیع درآمد مفید باشد.

تضاد منافع

نویسندگان نبود تضاد منافع را اعلام می‌دارند.

فهرست منابع

۱. افقه، سید مرتضی (۱۴۰۰)، انسان توسعه یافته، پیشران توسعه جوامع بشری نسخه‌ای برای ایران، انتشار: تهران: جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات،
۲. حقیقی، ایمان و مرتضوی کاخکی (۱۳۹۱)، آثار بازتوزیع فرصت‌ها بر نابرابری درآمدی؛ تحلیل تعادل عمومی محاسبه پذیر. تحقیقات مدل سازی اقتصادی، ۲ (۷)، ۵۱-۷۳،
۳. جعفری، مهدی، عمادی، سید جواد، رمضانپور، اسماعیل. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر همزمان سیاست‌های

development in a model with credit rationing. The social value of the financial sector: too big to fail or just too big, 67-80.

3. Alfaro, L., & Charlton, A. (2006). *International financial integration and entrepreneurship* (No. 755). London School of Economics and Political Science. Centre for Economic Performance.

4. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2006). *Economic origins of dictatorship and democracy*. Cambridge University Press.

5. Beck, R., Georgiadis, G., & Straub, R. (2014). *The finance and growth nexus revisited*. *Economics Letters*, 124(3), 382-385.

6. Baiardi, Donatella, Morana, Claudio (2018), "Financial development and income distribution inequality in the euro area", *Economic Modelling*, Vol. 70, pp.40-55

7. Bellettini Giorgio, Delbono Flavio, Henning Karlstroem Peter, Pastorello Sergio, (2019), "Income inequality and banking crises: Testing the level hypothesis directly", *Journal of Macroeconomics*, Vol. 62, pp. 103054

8. Chen, T. C., Kim, D. H., & Lin, S. C. (2021). *Nonlinearity in the effects of financial development and financial structure on unemployment*. *Economic Systems*, 45(1), 100766.

9. Csontó, B. (2014). *Emerging market sovereign bond spreads and shifts in global market sentiment*. *Emerging Markets Review*, 20, 58-74.

10. Destek, M. A., Sinha, A., & Sarkodie, S. A. (2020). *The relationship between financial development and income inequality in Turkey*. *Journal of Economic Structures*, 9(1), 11.

11. De Haan, Jakob, Sturm, Jan-Egbert (2017), "Finance and income inequality: A review and new evidence", *European*

پولی و مالی بر نابرابری درآمد در ایران. اقتصاد کاربردی، ۱۱(۳۶) (بهار ۱۴۰۰)، ۳۹-۵۱.

۴. سجودی سکینه، جلیلی آیلار. (۱۳۹۹) بررسی اثر شاخص اسلامی شدن مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۹ (۳۰): ۴۹-۷۰

۵. شاکری بستان آباد رضا، جلیلی زهرا. عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع درآمد استانی در ایران: رهیافت پانل پروبیت کسری. پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۱۳۹۹؛ ۲۰ (۴): ۲۰۵-۲۲۸

۶. سرخوندی مهناز، سهیلی کیومرث، فتاحی شهرام. (۱۳۹۸) تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۸ (۲۹): ۱۹۵-۲۰۹

۷. صبور، امیر، ربیعی، مهناز، زندی، فاطمه، شکوری، بهرام. (۱۴۰۲) تأثیر سیاست پولی بهینه بر نقدینگی و نابرابری توزیع درآمد. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۲ (۴۲): ۳۸۷-۴۰۵

۸. محمدی، فواد، سیف اللهی، سیف اله، سید میرزایی، سید محمد (۱۳۹۹)، بررسی و مطالعه جامعه شناختی ساختار توزیع فرصت ها و امکانات (مورد مطالعه استان کردستان)، پژوهش های جامعه شناختی سال چهاردهم، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۴۸)

۹. منتظری شورکچالی، جلال، زاهد غروی، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین اندازه دولت و نابرابری توزیع درآمد در ایران: رهیافت الگوی خودرگرسیون برداری مارکوف سوئیچینگ. اقتصاد و الگو سازی، ۱۱(۲)، ۶۴-۲۹

۱۰. وکیلی زارچ، محمدحسن، علوی راد، عباس، توتونچی، جلیل، دهقان تفتی، محمد علی. (۱۳۹۹). توسعه بانکی، ساختار اجتماعی، اقتصادی و نابرابری درآمدی (مطالعه موردی استان های ایران). فصلنامه علمی نظریه های کاربردی اقتصاد، ۷(۴)، ۱۳۹-۱۶۶.

1. Altunbas, Yener, Thornton, John (2018), "The impact of financial development on income inequality: A quantile regression approach", *Economics Letters*, pp. 51-56.

2. Arcand, J. L., Berkes, E., & Panizza, U. (2014). *Finance and economic*

- productivity growth?. *Journal of International Money and Finance*, 28(4), 554-580.
22. Rioja, F., & Valev, N. (2004). Does one size fit all?: a reexamination of the finance and growth relationship. *Journal of Development economics*, 74(2), 429-447.
23. Longstaff, F. A. (2011). Municipal debt and marginal tax rates: Is there a tax premium in asset prices?. *The Journal of Finance*, 66(3), 721-751.
24. Merrino, S. (2022). Monetary policy and wage inequality in South Africa. *Emerging Markets Review*, 53, 100911.
25. Lipset, S. M. (1995). The social requisites of democracy revisited. In *Einigung und Zerfall: Deutschland und Europa nach dem Ende des Ost-West-Konflikts: 19. Wissenschaftlicher Kongreß der Deutschen Vereinigung für Politische Wissenschaft* (pp. 287-314). VS Verlag für Sozialwissenschaften.
26. Lipset, S. M. (1959). Some social requisites of democracy: Economic development and political legitimacy. *American political science review*, 53(1), 69-105.
27. Masten, A. B., Coricelli, F., & Masten, I. (2008). Non-linear growth effects of financial development: Does financial integration matter?. *Journal of international money and finance*, 27(2), 295-313.
28. Pradhan, R. P., Arvin, M. B., Hall, J. H., & Nair, M. (2016). Innovation, financial development and economic growth in Eurozone countries. *Applied Economics Letters*, 23(16), 1141-1144.
29. Ofori, I. K., Gbolonyo, E. Y., Dossou, T. A. M., & Nkrumah, R. K. (2022). Remittances and income inequality in Africa: Financial development thresholds for economic policy. *Research in Globalization*, 4, 100084.
30. Rueschemeyer, D., Stephens, E. H., & Stephens, J. D. (1992). *Capitalist* *Journal of Political Economy*, vol. 50, issue. C, pp. 171-195
12. Dailami, M., Masson, P. R., & Padou, J. J. (2008). Global monetary conditions versus country-specific factors in the determination of emerging market debt spreads. *Journal of International Money and Finance*, 27(8), 1325-1336.
13. Diamond, L. (1992). Promoting democracy. *Foreign Policy*, (87), 25-46.
14. D'Onofrio, A., Minetti, R., & Murro, P. (2019). Banking development, socioeconomic structure and income inequality. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 157, 428-451.
15. Fink, G., Haiss, P., & Vuksic, G. (2006). 11. Importance of financial sectors for growth in accession countries. Financial development, integration and stability: Evidence from central, eastern and south-eastern Europe, 154.
16. Henderson, D. J., Papageorgiou, C., & Parmeter, C. F. (2013). Who benefits from financial development? New methods, new evidence. *European Economic Review*, 63, 47-67.
17. Jaramillo, L., & Weber, A. (2013). Bond yields in emerging economies: It matters what state you are in. *Emerging Markets Review*, 17, 169-185.
18. Kakar Venoo, Daniels, Gerald Eric (2019), "Role of cash and costs of inflation for different income groups in the U.S", *Economic Modelling*, Vol. 80, pp. 303-319
19. Kennedy, M., & Palerm, A. (2014). Emerging market bond spreads: The role of global and domestic factors from 2002 to 2011. *Journal of International Money and Finance*, 43, 70-87.
20. Kavya, T.B., Shijin, Santhakumar (2019), "Economic development, financial development, and income inequality nexus", *Borsa _Istanbul Review* /pp. 2214-8450
21. Kose, M. A., Prasad, E. S., & Terrones, M. E. (2009). Does openness to international financial flows raise

32. Shen, C. H., & Lee, C. C. (2006). Same financial development yet different economic growth: why?. *Journal of Money, Credit and Banking*, 1907-1944.

33. Thumrongvit, P., Kim, Y., & Pyun, C. S. (2013). Linking the missing market: The effect of bond markets on economic growth. *International Review of Economics & Finance*, 27, 529-541.

development and democracy (Vol. 22). Polity: Cambridge.

31. Selva, G. V., Pauli, N., Kim, M. K., & Clifton, J. (2020). Opportunity for change or reinforcing inequality? Power, governance and equity implications of government payments for conservation in Brazil. *Environmental Science & Policy*, 105, 102-112.

payment facilities and income inequality; The threshold of financial development with an emphasis on the quality of governance in the Islamic Development Bank (ISDB)

Mohammad Alipour Shalamani¹
Mohammadali Ali Dehghan tafti^{2*}
Sayed yahya Abtahi³
jalil totonchi⁴

Abstract

The purpose of this article is to examine the relationship between payment facilities and income inequality despite the effects of the threshold of financial development with an emphasis on the quality of governance. For this purpose, the panel threshold approach model (PSTR) was used based on the annual data of Islamic Development Bank (ISDB) member countries during the period 2000-2021. The estimation results of the non-linear part of the model show that there is a negative relationship between the variables of bank payment facilities, credits granted to the private sector, corruption control, quality of regulations, development of new technology, level of education and foreign direct investment with income inequality index. . Inflation rate variable has a significant positive effect on income distribution inequality in both linear and non-linear regimes. But the point that exists is the confirmation of the inverse relationship (U) between financial development and income distribution, which is positive and significant in the linear regime, and beyond the threshold (-0.21) and moving to the non-linear regime, the effect of granted credits The private sector is negatively affected by the inequality of income distribution. The financial system reduces transaction costs by obtaining information about investment opportunities, monitoring the investments made, accumulating savings, and facilitating exchanges, and by improving the appropriate allocation of financial resources in investment opportunities, it provides the necessary ground for reducing income inequality.

Keywords: payment facilities, income inequality, financial development, governance quality, panel threshold approach model.

JEL Classification: E52, F44, E31, E62, E69.

¹ PhD student, Department of Economics, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. ahangaryan.nasimco@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Economics, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding author) dehghantafti@iauyazd.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Economics, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. yahyaabtahi@yahoo.com

⁴ Assistant Professor, Department of Economics, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. ja.totonchi@yahoo.com